

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

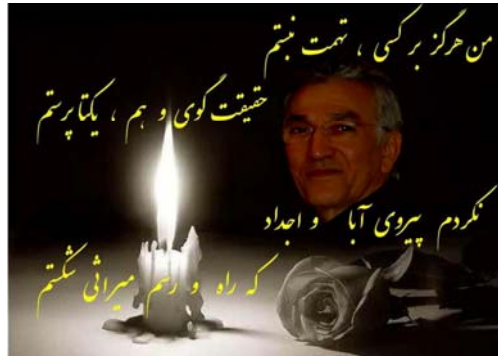
afgazad@gmail.com

Litarary-Cultural

ادبی-فرهنگی

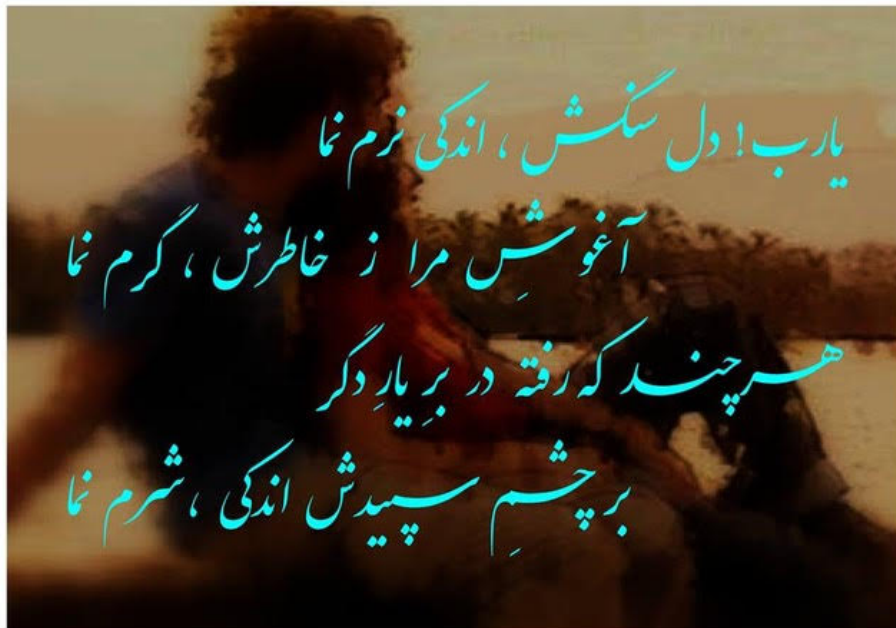
نعمت الله مختارزاده

۲۱ مارچ ۲۰۱۹



سروده بودم که

یارب دل سنگش اندکی نرم نما
آغوش مرا ز خاطرش گرم نما
هر چند که رفته در بر یارِ دگر
بر چشم سپیدش اندکی شرم نما



محترم مسعود حداد به ارتباط چنین پیامی نوشتند که :

دلش نرم است، تو نرمی را نمیدانی

تنت سرد است، تو گرمی را نمیدانی

ندارد در بر خود، هیچ کس را

چرا شرمند؟ که شرمی را نمیدانی

منهم به پاسخ، سروده ذیل را رقم و تقدیم حضور شان نمودم

رنگ و نیرنگ

جوابی، خدمت حداد آنگ است ۱
حسادت کرده، کامنتی نوشته
دفاع، از بیوفایان ستمکار
مگر قاضی شده، یا گشته مفتی
کنون بنده مخاطب، او مخاطب ۲، ۳
سر و کار تو، با توپ و تفنگ است
چه دانی از وصال و درد هجران
ز نرمی دل و گرمی آغوش
مرا سردی بود، از هجر جانان
وفا و الفت و مهر و محبت
همیشه کار و بارت، با سیاست
برو با "کرزی" و با "عین" و با "غین"
تو هم آماده شو، همراهی "دوستم"
"عطای نور" و "اتمر" در کمین اند
"کرنکار" و جناب "سرخه" حاضر
که تا اصلاح شود در طول سه ماه
نمی دانم چه خوابِ ناز دیده
ز "امریکا" و "روس" و از "عربها"
به اقوامِ دگر بنموده توهین
بالاخر بر جهان گردیده، ثابت
تو هم، حداد! با توپ و تفنگت
ز حق خواهیم، که بینم روزی حداد

خر طبعم اگرچه گشته لنگ است
که نرم و گرم، او را شرم و ننگ است
قلم بگرفته و با من به جنگ است
و یا عاشق شده، مست و ملنگ است
که ذیلاً پاسخم، وی را، پَرنگ است ۴
و یا، با چکش و داس و کلنگ است
چه فرقی بین شهد واز شرننگ است ۵
جوابی خدمتت، روی تبنگ است ۶
ترا گرمی ز چرس خام و بنگ است
که هرگرمی نه از منگ و مشنگ است ۷، ۸
ترا عاشق شدن، بس عار و ننگ است
که بزم "شیر" و "کفتار" و "پلنگ" است
بگو دوران "خرچنگ" و "نهنگ" است
و "حکمتیار" در میدان جنگ است
یکی جامن، دگر آورده زنگ است
به پشتش قوه های از فرنگ است
دهانش گه گشاد و گاهی تنگ است
تقاضا، کمک های بی درنگ است ۹
مگر خود، می نه از نسلِ غَدَنگ است ۱۰
که این دیوانه از اولادِ فَنگ است ۱۱
سیاست کن که، پُر نیرنگ ورنگ است
سیاست ترک و گشته چون ملنگ است

ولی "نعمت" گریزان از سیاست

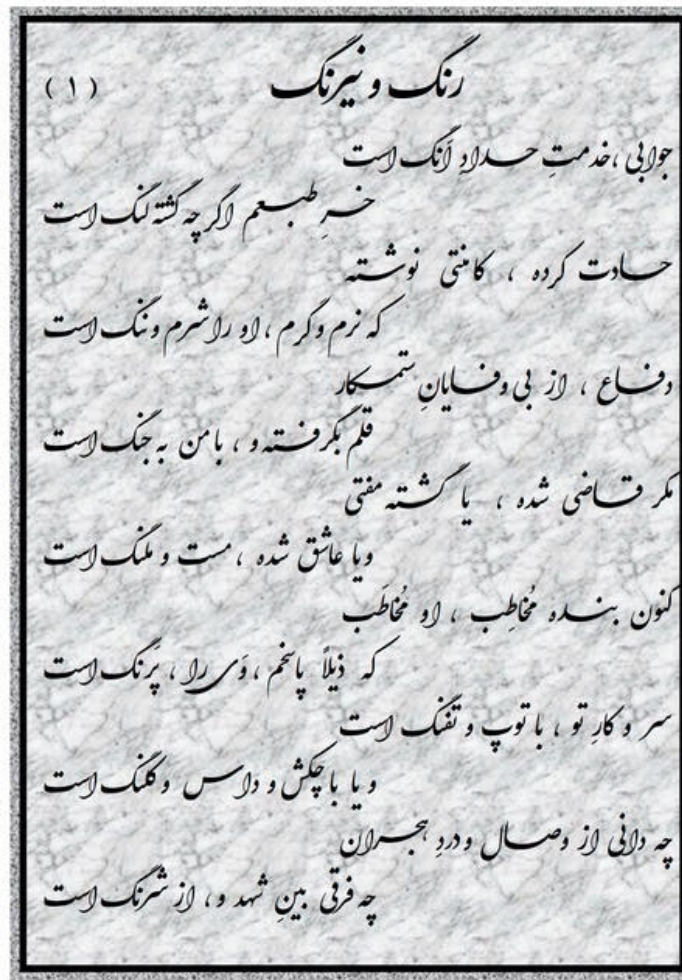
به سر سودا، ز یار شوخ و شنگ است ۱۲

معانی بعضی از واژه ها

۱ - انگ = زنبور، زنبور عسل، شیره، عصاره

۲ - مخاطب = مقابل متکلم، طرف خطاب، آن که سخن متکلم را رویاروی استماع می کند، آن که روی سخن گوینده به سوی اوست، کسی که دیگری با او سخن می گوید، طرف خطاب و صحبت.

- ۳- مخاطب = روبه روسخن گوینده ، خطاب کننده
- ۴- پرنګ = شمشیر جوهردار ، برق شمشیر ، برق و جلا.
- ۵- شرنګ = سم ، زهر ، هر چیز تلخ ، حنظل .
- ۶- تبنګ = طبقی باشد پهن و بزرګ از چوب که بقالان اجناس از قبیل نان یا حلوا و غیره در آن کرده بر سر نهاده در کوچه و بازار بگردند و بفروشند
- ۷- منګ = کودن ، کم هوش ، دزد ، راهزن ، گیج ، سرګشته
- ۸- مشنګ = دزد و راهزن
- ۹- بی درنګ = بدون درنګ ، بدون توقف ، فوراً ، فی الفور ، بشتاب ، به سرعت ، به چالاکۍ و چستی ، چالاک و زود.
- ۱۰- غدنګ = احمق ، نادان ، بدشکل ، بد اندام .
- ۱۱- فنګ = کرمی بود بزرګ و سبز، گاه دراز شود و گاه کوتاه ، خونجو ، زالو ، زلو ، زرو.
- ۱۲- شنګ دارای حالت و رفتاری همراه با شادی و شادابی که موجب شادابی بیننده شود ، شاهی را گویند که مطبوع حرکات بود و شوخ چشم ، شوخ و ظریف ، مجازاً به معشوق اطلاق کنند



ز نغمه دل و گرمی آغوش
 (۲) جوابی خدایت رومر بینگ است
 مولا سردر بود، از جسر جانان
 تولا گرمی ز چرس خام و بنگ است
 وفا و وفات و مهر و محبت
 که هرگز می نه از منگ و بنگ است
 همیشه کار و بارت، با سیاست
 تولا عاشق شدن، بس عار و ننگ است
 برو با (کر ز سر) و با (عین) و با (ضین)
 که بزم (شیر) و (کفتار) و (پلنگ) است
 تو هم آماده شو، همسرا (دوستم)
 بگو دوران (خرچنگ) و (ننگ) است
 (عطاس نور) و (اتمسر) در کین اند
 و (حکمتیار) در میدان جنگ است
 (کرنگار) و جناب (سرخه) حاضر
 یکی (جاسن)، دگر آورده (زنگ) است

که تا اصلاح شود ، در طول سه ماه
 به پیشش قوه باس از رنگ است (۳)
 نمیدانم ، چه خواب ناز دیده
 دهنش که کشاد و ، گاهی تنگ است
 ز (آمریکا) و (روس) ولز (عربها)
 تقاضا ، کمک باس بی درنگ است
 به لغزیم دگر ، بنسوده تو همین
 مگر خود ، می نه از نسل خدنگ است
 بلاخسر ، بر جهمان گردیده ، ثابت
 که این دیوانه از لولای فشنک است
 تو هم حداد! با توپ و تفنگت
 سیاست کن که ، پرنیرنگ و رنگ است
 ز حق خواه هم ، که بنم روز حداد
 سیاست ترک و ، کشته چون ملک است
 ولی « نعمت » که نزل از سیاست
 به سر سودا ، ز یار شوخ و شنگ است